

## ممنوعیت ناقص سازی جنسی زنان در حقوق بین الملل بشر با نگاهی به اقدامات سازمان ها و نهادهای بین المللی

فرهاد طلائی<sup>۱</sup>، سارا قاسمی<sup>۲</sup>

### چکیده

یکی از چالش های حقوق بشری زنان که در سال های اخیر مورد توجه قرار گرفته است، مسئله ناقص سازی جنسی زنان می باشد. پژوهش حاضر با هدف بررسی ممنوعیت ناقص سازی جنسی زنان از دیدگاه حقوق بین الملل بشر به روش توصیفی - اسنادی انجام شد. از این رو، این پرسش که ناقص سازی جنسی زنان بر چه اساسی از دیدگاه حقوق بین الملل بشر ممنوع شده است و سازمان ها و نهادهای بین المللی چه اقداماتی در این مورد اتخاذ نموده اند، بررسی و تحلیل گردید. نتایج نشان داد که ناقص سازی جنسی زنان ناقص حقوق بنیادین بشر زنان از جمله حق برخورداری از سلامت کامل است و منع به کارگیری آن به اقدامات جدی تری از سوی دولت ها، سازمان ها و نهادهای بین المللی نیازمند است. همچنین ضرورت دارد که دولت ها توصیه های مربوطه نهادهای مبتنی بر معاهدات بین المللی حقوق بشری را در این موضوع اجرایی کنند.

**واژگان کلیدی:** ممنوعیت ناقص سازی جنسی زنان، حقوق بین الملل بشر، حق بر سلامت زنان، حقوق زنان، نهادهای مبتنی بر معاهدات بین المللی حقوق بشری.

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۲۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۱/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۰

۱. دانشیار گروه حقوق بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: Dr.Farhad.Talaci@yahoo.com

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد، گروه حقوق بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

Email: Sara73gh@gamil.com

## The Prohibition of Female Genital Mutilation from the Viewpoint of International Human Rights Looking at the Actions of International Organizations and Institutions

Farhad Talaei<sup>1</sup>, Sara Ghasemi<sup>2</sup>

One of the challenges of women's human rights that has been considered over recent years is the issue of female genital mutilation. This descriptive-documentary study aimed to investigate the prohibition of female genital mutilation from the viewpoint of international human rights; thus, the following question was examined: why has the female genital mutilation been prohibited from the viewpoint of international human rights and what actions have the international organizations and institutions been doing? The results indicated that the female genital mutilation violates women's basic human rights, such as the right to good health and the prohibition of its use requires more serious actions done by the governments and international organizations and institutions. In addition, the governments should execute the recommendations of institutions' international human rights agreements.

**Keywords:** prohibition of female genital mutilation, international human rights, right to women's health, women's rights, institutions' international human rights agreements.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

---

### Paper Type: Research

Data Received: 2020 / 11 / 11    Data Revised: 2022/ 04 / 16    Data Accepted: 2022/ 06 / 10

1. Associate Professor, Department of International Law, Faculty of Law and Political Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran. (Corresponding Author)

Email: dr\_farhad\_talaei@yahoo.com

2. M.A., Department of International Law, Faculty of Law and Political Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran.

Email: sara73gh@gamil.com

خشونت علیه زنان، تهدیدی جدی برای سلامتی و حقوق انسانی است و به صورت‌های گوناگونی بروز می‌کند. یکی از انواع خشونت علیه زنان، ناقص‌سازی جنسی آنهاست. ناقص‌سازی جنسی زنان در بسیاری از جوامع، حکم ورود زنان به مرحله زنانگی و شرطی لازم برای ازدواج و پذیرش در نقش خانواده است. انجام ناقص‌سازی جنسی زنان در برخی از جوامع به‌گونه‌ای پررنگ شده است که مقبولیت اجتماعی زنان را می‌توان وابسته به انجام عمل ناقص‌سازی جنسی دانست. ناقص‌سازی جنسی زنان ریشه در سنت‌ها و مذهب جامعه دارد و اگر زنی حاضر به انجام ناقص‌سازی جنسی نشود یعنی، در برابر سنت و مذهب ایستادگی کرده است. در این شرایط، دستی نامرئی، زنان را به انجام ناقص‌سازی وادار می‌کند. دلایل انجام ناقص‌سازی جنسی زنان در هر جامعه متفاوت است و بیشترین دلیل ناقص‌سازی جنسی زنان عبارتند از: عادات و رسوم، مذهب و سنت، اعتقاد به شهوانی بودن زن و رام کردن شهوت زیاد زن، کنترل رفتار جنسی زنان، حفظ بکارت زنان تا زمان ازدواج و یا هنجارهای اجتماعی است. (هایفورد، ۲۰۰۵). خانواده‌ها هم به دلیل اینکه ناقص‌سازی جنسی، سنت محسوب می‌شود به انجام ناقص‌سازی جنسی برای فرزندان دختر خود مقید هستند. باتوجه به شرایط اجتماعی و اجباری که خانواده و اجتماع بر روی زنان و دختران برای انجام ناقص‌سازی جنسی وارد می‌کند جامعه و سازمان‌های بین‌المللی همواره به دنبال راهی برای شکست این حصار و کمک به زنان و دختران هستند. ناقص‌سازی جنسی زنان ریشه در گذشته‌های دور دارد و امروزه مورد توجه جوامع بین‌المللی قرار گرفته است؛ زیرا ناقص‌سازی جنسی زنان به واسطه پیامدهای اساسی که بر سلامت باروری، جسمی و روانی زنان دارد به صورت یک مشکل سلامت عمومی و حقوق بشری مطرح است (اشراقی، ۱۳۸۵).

تاکنون مسئله مورد توجه نویسندگان در ناقص‌سازی جنسی زنان، بیشتر مسائل پزشکی، عوارض و آسیب‌های روحی بوده است که زنان در مواجهه با ناقص‌سازی جنسی متحمل می‌شوند. بررسی ابعاد حقوق بین‌الملل بشر ناقص‌سازی جنسی زنان در

تحقیقات نویسندگان به گونه ای نبوده است که تمام زوایای آن را به طور کامل پوشش دهد و یا بررسی حقوقی آن را ماکول به قواعد و چارچوب حقوق داخلی کرده اند. پژوهش حاضر به دنبال ارائه تحقیقی جامع و کامل درباره ناقص سازی جنسی زنان از دیدگاه قواعد حقوق بین الملل بشر است. ناقص سازی جنسی زنان در بسیاری از جوامع، عرف یا سنت بوده و یا به دید یک دستور دینی انجام می شود. زنان در این جوامع، متحمل درد و رنج بسیاری می شوند. با توجه به قواعد بین المللی می توان از کشورها خواست که در راستای ممنوعیت ناقص سازی جنسی زنان گام هایی بردارند. بدین وسیله می توان به محو ناقص سازی جنسی زنان امیدوار بود و بتوان از زنان قربانی ناقص سازی جنسی حمایت کرد. باشد که با توجه به کنوانسیون ها و قواعد بین المللی، راهکاری برای ممنوعیت و حذف ناقص سازی جنسی زنان در کشورها یافت. در پژوهش حاضر این پرسش اساسی که حقوق بشر براساس کدام مبانی، ناقص سازی جنسی زنان را ممنوع کرده است و چه اقدامات بین المللی برای لغو آن صورت گرفته است، بررسی شد.

موارد مکرر نقض حقوق زنان در جهان موجب شده است که جامعه بین المللی برای تضمین حقوق آنها اسناد بین المللی را بپذیرد. ناقص سازی جنسی زنان نیز بخشی از حقوق زنان است. در کنار اسناد عام حقوق بشری مانند منشور جهانی حقوق بشر، اسناد خاص نیز در حمایت از حقوق زنان پذیرش شده اند. اعلامیه رفع تبعیض علیه زنان<sup>۱</sup> در سال ۱۹۶۷ (آذرماه ۱۳۸۵) که به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد<sup>۲</sup> (قطعنامه ۳۴/۱۸۰ مورخ نوامبر ۱۹۶۷) رسید گام مهمی در پذیرش اسناد خاص در حمایت از حقوق زنان بود. پیرو صدور این اعلامیه در سال ۱۹۷۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای اولین بار کنوانسیونی شامل حجم گسترده ای از مسائل مربوط به نقش و موقعیت زنان جامعه با نام کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان<sup>۳</sup> یا منشور بین المللی حقوق زنان<sup>۴</sup> را تصویب کرد. به دلیل اشکال مختلف خشونت علیه زنان، کمیسیون مقام زن سازمان ملل متحد<sup>۵</sup> طی تلاش های زیادی، اعلامیه رفع خشونت علیه زنان را در قطعنامه ۴۸/۱۰۴ توسط مجمع

1. Declaration on the Elimination of Discrimination Against Women (DEDAW)
2. United Nations General Assembly
3. Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against women
4. International Women's Rights Charter
5. United Nations Women's Commission

عمومی در ۲۰ سپتامبر ۱۹۹۳ تصویب کرد. این اعلامیه، اولین سند بین‌المللی است که به‌طور خاص، مبارزه با خشونت علیه زنان را هدف قرار می‌دهد. تمام این کنوانسیون‌ها گوشه‌ای از تلاش‌های بین‌المللی در راستای ممنوعیت ناقص‌سازی جنسی زنان هستند. از بررسی موارد فوق می‌توان نتیجه گرفت که جامعه حقوق بشری همواره در پی مبارزه برای پیشگیری از خشونت علیه زنان است. خشونت علیه زنان نه فقط در ایران بلکه در سطح جهان و کشورهای مختلف نسبت به زنان اعمال می‌شود. (کمالی دهقان، ۲۰۱۵) در پژوهش حاضر در چندین گام، ممنوعیت ناقص‌سازی جنسی زنان از دیدگاه حقوق بین‌الملل بشر با روش توصیفی-تحلیلی بررسی شده است.

## ۲. چهارچوب نظری پژوهش

خننه در ادبیات عرب از ماده ختن به معنای قطع و بریدن است و چون در ختنه مردان و زنان، بخشی از اندام تناسلی را می‌برند از آن به ختنه تعبیر می‌شود. لفظ ختن به معنای محل بریدن اندام تناسلی است. تأمل و تحقیق در واژگان ادبیات عرب نشان می‌دهد که لفظ ختنه هم برای مردان و هم برای زنان به‌کاربرده می‌شود که هر دو به معنای قطع و بریدن بخشی از اندام تناسلی است. (ابن منظور، ۱۳۰۸) آشنایی با مفهوم ناقص‌سازی جنسی یا ختنه زنان در زبان انگلیسی نیز اهمیت دارد؛ زیرا سازمان‌های حقوق بشر و کشورهای غربی با توجه به مفهومی که از ختنه ارائه داده‌اند حکم ممنوعیت ختنه زنان را صادر کرده‌اند. واژگانی که در زبان انگلیسی درباره ختنه به‌کاربرده می‌شوند مفهوم عام دارند که بریدن خفیف یا سنگین آلت تناسلی زنان را شامل می‌شود. مفهومی که از لغت مثله برداشت می‌شود، خود بار منفی را به همراه دارد. در زبان انگلیسی عبارات ذیل برای قطع و بریدن اندام تناسلی زنان به‌کار می‌رود:

- اصطلاح Female Genital Mutilation به مفهوم بریدن آلت تناسلی زنان در میان جوامع غربی و منابع حقوق بشری مورد پذیرش و استقبال قرار گرفته و در منابع انگلیسی و حقوق بشری از اصطلاح Female Genital Cutting یا Women's Circumcision استفاده شده است.

- به نظر می‌رسد تعریفی که از سوی سازمان بهداشت جهانی از ناقص‌سازی جنسی زنان

ارائه شده تعریفی جامع و قابل قبول است. این سازمان، برش آلت تناسلی زنان را شامل تمام اعمال مربوط به برداشتن جزئی یا کلی دستگاه تناسلی خارجی زن و یا آسیب‌های دیگر به اندام تناسلی زنان می‌داند که بدون دلیل پزشکی انجام می‌شود. سازمان بهداشت جهانی در یک تقسیم‌بندی، عمل بریدن آلت تناسلی زنان را به چهار نوع تقسیم کرده است:

- نوع اول شامل برداشتن بخشی یا تمام کلیتوریس و یا پره پوس است؛

- نوع دوم شامل برداشتن نسبی یا تمام کلیتوریس و لب‌های کوچک و بزرگ است؛

- نوع سوم به صورت تنگ کردن دهانه واژن با ایجاد یک مهروموم پوششی با قطع

کردن و تغییر مکان دادن لب‌های کوچک و بزرگ، بدون برش کلیتوریس تعریف شده است؛

- نوع چهارم خطرناک‌ترین شکل ختنه محسوب شده و به ختنه فرعون‌نی نیز معروف

است که به دلایل غیرپزشکی بر روی دستگاه تناسلی خارجی زنان اعمال می‌شود و مانند

سه نوع بالا، لازم به برداشتن کلیتوریس یا لب‌های کوچک یا بزرگ نیست و مواردی مانند

سوراخ کردن، سوزن زدن، زخم کردن و سوزاندن به وسیله آهن داغ را دربرمی‌گیرد (هو، ۲۰۰۷).

اینکه در عمل، کدام یک از چهار نوع عمل ناقص‌سازی جنسی انجام می‌شود به

وابستگی متقابل سنت‌ها و رسوم مناطق گوناگون جهان بستگی دارد. براساس آخرین

تخمین سازمان بهداشت جهانی در سال ۲۰۱۶، بیش از دویست میلیون زن در سراسر

جهان از عواقب ناقص‌سازی جنسی رنج می‌برند و بیش از سه میلیون زن در خطر انجام

ناقص‌سازی جنسی زنان قرار دارند (یونیسِف، ۲۰۱۶).

## ۲-۱. تاریخچه ناقص‌سازی جنسی زنان و جایگاه آن در ادیان مختلف

درباره منشأ تاریخی ناقص‌سازی جنسی زنان اقوال متعددی وجود دارد. برخی معتقدند

که انجام ناقص‌سازی جنسی زنان از مصر شروع شده و قدیمی‌ترین شاهد تاریخی آنها

مومیایی به‌جامانده از ۲۰۰ سال پیش از میلاد است. در این مومیایی، آثار بریده‌شدن

کلیتوریس مشاهده شده است. برخی معتقدند که این سنت از زمان برده‌داری آغاز شده

است. سنت ناقص‌سازی جنسی زنان از زمانی اجرا شد که در جامعه سنتی عرب نقش

برده داشتند. زنان توسط معامله‌گرهای خود به انجام ناقص‌سازی جنسی ملزم می‌شدند.

1. WHO  
2. UNICEF

(پروژه ارکید<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲) برخی معتقدند که سنت ناقص سازی جنسی زنان از زمانی آغاز شد که اسلام به جنوب صحرای آفریقا وارد شد. اعتقاد دیگری وجود دارد که ناقص سازی جنسی زنان به صورت مستقل در جنوب صحرای آفریقا توسط گروه‌های اخلاقی خاصی به وجود آمد و پایه‌ریزی شد. در تاریخ، ناقص سازی جنسی زنان برای تضمین بکارت، کنترل کردن و کاهش تمایلات جنسی آنها صورت می‌گرفته است. بسیاری از مفسران معتقدند که خشونت‌هایی که علیه جسم زن اعمال می‌شده، مربوط به جوامع ابتدایی است. برای مثال رومی‌ها با قراردادن حلقه‌هایی لغزنده در لگن زنان برده مانع از باردار شدن آنها می‌شدند. فرقه اسکوپسی سکت<sup>۲</sup> در روسیه، عمل ناقص سازی جنسی زنان را برای تضمین بکارت زنان انجام می‌دادند. به صورت عمد، ناقص سازی جنسی زنان با هدف کنترل رفتار جنسی زنان انجام می‌شده است (ذوالفقارطلب و جمالی، ۱۳۹۳). ناقص سازی جنسی زنان در بسیاری از کشورها یک دستور دینی شناخته شده بود و بر روی زنان اعمال می‌شد. در بسیاری از موارد، حقوق بین‌الملل با این چالش مواجه است که از جوامع بخواهد تا به مردم این آگاهی را بدهند که ناقص سازی جنسی زنان جایگاهی در ادیان ندارد و در هیچ دینی به انجام این کار توصیه نشده است.

#### ۱-۱-۲. ناقص سازی جنسی از دیدگاه یهودیت

با استناد به کتاب مقدس به این حقیقت می‌توان پی برد که هیچگاه در دین یهود اجازه ختنه دختران داده نشده است. همه انواع ختنه دختران، نقص عضو در نظر گرفته شده و از نظر قانون یهود ممنوع است. با این حال یک گروه اقلیت یهودی ساکن اتیوپی - به اصطلاح فالانشا یا بتا اسرائیل<sup>۳</sup> - عمل ختنه زنان را انجام می‌دهند. صاحب نظران معتقدند که آداب و رسوم ختنه دختران یهودی بیش از آنکه الهام گرفته از دین باشد از فرهنگ بومی آفریقا گرفته شده است. (باف<sup>۴</sup>، ۱۹۹۵) یک پژوهشگر معتقد است که چون فالانشا یهودی هزاران سال در محاصره و مورد آزار و اذیت بودند به متون دینی و یا افراد مذهبی یهودی دسترسی نداشتند. شاهد این ادعا هم یهودیان اتیوپیایی هستند که به اسرائیل مهاجرت کرده‌اند

1. Orchid Project
2. Scoptsi Sect
3. Flasha and Israeli beta
4. Buff, D. D.



که قطع دستگاه تناسلی زنان را انجام نمی‌دهند. در مطالعه ال دامانوری<sup>۱</sup> (۲۰۱۳) که بر روی ۱۱۳ زن یهود مهاجر اتیوپی در اسرائیل انجام شد، مشخص شد که ۲۷٪ آنها برداشت جزئی یا کلی کلیتوریس را انجام داده‌اند و اظهار داشتند که ختنه دختران در میان یهودیان اتیوپی رسم بوده و دلیل آنها از زیبایی تا جلوگیری از مقاربت قبل از ازدواج متفاوت بوده و آن را به دین ارتباط نمی‌دادند (عبدالقدير، مارگاریراز، بولوایان و ایریون، ۲۰۱۱).

## ۲-۱-۲. ناقص‌سازی جنسی زنان از دیدگاه مسیحیت

مستنداتی که ختنه دختران را از دیدگاه مسیحیت بررسی کرده باشند بسیار کم است. رهبران دینی مسیحی معتقدند که ختنه دختران، پایه و اساس دینی ندارد، ولی مواردی در میان زنان مسیحی ساکن مصر، نیجریه، تانزانیا و کنیا مشاهده شده است. (باف، ۱۹۹۵)

## ۲-۱-۳. ناقص‌سازی جنسی زنان از دیدگاه اسلام

قرآن کریم در مورد ختنه دختران به صراحت سخنی نگفته است، ولی احادیث و روایات مختلفی در اسلام در رابطه با این موضوع وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود. (کسمالی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶) منشأ اصلی ختنه در اسلام به ۶۰۰۰ سال پیش در زمان پیامبری حضرت ابراهیم علیه السلام بازمی‌گردد. بنابر آنچه در تورات آمده است (کتاب مقدس، ۹:۱۰-۱۳) حضرت ابراهیم علیه السلام در ۹۹ سالگی مورد خطاب الهی قرار گرفت و مأمور شد که خود و اولاد ذکور از نسل خود را به نشانه پیمان بستن با خداوند ختنه کند. این سنت در میان یهودیان هم متداول بوده و هست و آنها ختنه نکردن را بسیار ناپسند می‌دانند. در اسلام، ختنه کردن، نوعی سنت و برای مردان واجب است. شیوه ختنه و شرایط آن در شریعت یهود با احکام اسلامی آن تشابه بسیار دارد. ختنه دختران در بسیاری از کشورهای آفریقایی با دیدگاه پیروی از اسلام صورت می‌گیرد. در حالی که ختنه زنان در اسلام هیچ جایگاهی ندارد (ریزوی، نقوی، حسین و حسان، ۱۹۹۹). امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: «ختنه کردن پسر بچه سنت است، ولی ختنه دختر بچه سنت نیست». (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق) در میان چهار فرقه اهل سنت، پیروان مذهب شافعی، ختنه

1. El-Damanhoury  
2. Abdulcadir, J., Margariraz, C., Boulvain, M., & Irion, O.  
3. Kassamali, N.  
4. Rizvi, S. A. H., Naqvi, S. A. A., Hussain, M., & Hasan, A. S.



دختران را واجب می‌دانند و در مورد میزان برش و حدود ختنه معتقدند که باید پوست کوچکی که در میان نوک دستگاه جنسی زنان قرار دارد، بریده شود (مجلسی، ۱۳۸۵). در میان شیعیان نیز فقط فرقه مستعلوی در مصر به انجام این عمل مقید هستند. دین اسلام با بریدن کلی دستگاه تناسلی زنان مخالف بوده است و وارد آوردن هرگونه صدمه به بدن را جرم می‌داند و برای برخورد با آن، مجازات شدیدی نیز تعیین کرده است. فقه اسلامی با بریدن کلی یا جزئی کلیتوریس مخالف است که در فتوای مراجع تقلید شیعه این مهم به چشم می‌خورد (حاجی فقه، سیمبر، گل‌عداز و علی‌زاده، ۱۳۹۵). با توجه به آنچه ادیان در مورد ناقص سازی جنسی ذکر کرده‌اند به راحتی می‌توان پی برد که ناقص سازی جنسی زنان دلیل دینی ندارد و در بسیاری از کشورها ریشه در سنت‌ها و رسوم غلط دارد (آل‌دب، ۲۰۱۲).

## ۲-۲. ناقص سازی جنسی زنان، نمونه‌ای از نقض حقوق بشر

پیرو تحلیل‌هایی که در قالب محتوای اسناد بین‌المللی عام و خاص صورت گرفت، بدون تردید می‌توان گفت که ناقص سازی جنسی زنان که به طور معمول به صورت اجباری و براساس باورهای غلط سنتی انجام می‌گیرد نقض حقوق زنان است. نقض حقوق بشری در مورد اعمال ناقص سازی جنسی زنان در لایه‌لایه حقوق بشر مشاهده می‌شود.

### ۲-۲-۱. حق زندگی<sup>۲</sup>

در موارد بسیاری، ناقص سازی جنسی زنان باعث مرگ می‌شود. در اعلامیه جهانی حقوق بشر، حق زندگی، یکی از اصول مهم حقوق بشری است.

### ۲-۲-۲. حق سلامت جسمی و روانی از جمله آزادی از خشونت

ناقص سازی جنسی زنان، نقض حقوق بشر از جمله نقض کرامت ذاتی فرد، حق آزادی و امنیت و سلامت شخصی افراد است. ناقص سازی جنسی زنان با این اعتقاد صورت می‌گیرد که اندام زنان ناقص است و نیاز به اصلاح و ترمیم دارد؛ در صورتی که ناقص سازی جنسی زنان باعث آسیب به اعصاب اندام تناسلی می‌شود و آسیب‌های جسمی شدیدی را به دنبال دارد. از دست دادن بخشی از عملکردهای جنسی، نقض حقوق بشری سلامت زنان است.

علاوه بر آسیب‌های جسمی، آسیب‌های مخرب روانی ناشی از ناقص‌سازی جنسی غیرقابل انکار است. درد ناشی از ناقص‌سازی جنسی زنان در بسیاری موارد تا پایان عمر آنها ادامه دارد. آسیب روانی ناشی از ناقص‌سازی جنسی زنان بر روند تکامل شخصیت عاطفی زنان و دختران نوجوان تأثیر منفی می‌گذارد. احترام به شخصیت زنان به معنی پذیرش فیزیکی آنهاست. تغییرات مخرب بر روی اندام زنان هرگز نباید انجام شود. (کنتنیچ و بیلینگ، ۲۰۰۸)

### ۲-۲-۳. حق‌رهایی از تبعیض جنسیتی

در ماده یک کنوانسیون رفع همه‌اشکال تبعیض علیه زنان، تبعیض علیه زنان به معنی قائل شدن هرگونه تمایز، استثنای محدودیت براساس جنسیت است. این موضوع بر به رسمیت شناختن حقوق بشر زنان، آزادی‌های اساسی آنها و بهره‌مندی و اعمال آن حقوق برپایه مساوات با مردان، صرف‌نظر از وضعیت تأهل آنها در تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و دیگر زمینه‌ها اثر مخرب دارد یا هدفش از بین بردن این وضعیت است. براین اساس، ناقص‌سازی جنسی زنان در تعریف ماده یک این کنوانسیون می‌گنجد؛ زیرا پدیده‌ای است مختص به جنس زن که به احساسات وی آسیب می‌زند. ناقص‌سازی جنسی زنان با هدف کنترل کیفیت زندگی جنسی آنها، عملی تبعیض‌آمیز نسبت به جنس زنان است و ایجاد تبعیض و نابرابری را در پی دارد.

### ۲-۲-۴. حق آزادی از خشونت و امنیت

حق آزادی و امنیت زنان در پرتو انجام ناقص‌سازی جنسی نیز قابل تأمل است؛ زیرا اعمال ناقص‌سازی جنسی، حق زنان را برای تصمیم‌گیری بر روی بدن خودشان سلب می‌کند. دخترانی که ناقص‌سازی جنسی بر روی آنان انجام می‌شود به سنی نرسیده‌اند که بتوانند برای بدن خودشان تصمیم‌گیری کنند. در بیشتر موارد، تصمیم در مورد انجام ناقص‌سازی از آنها سلب می‌شود و زنان و دختران به‌زور متحمل انجام ناقص‌سازی جنسی می‌شوند. اجبار به ناقص‌سازی جنسی زنان، احترام به حریم شخصی آنها را نیز زیر سؤال می‌برد. ناقص‌سازی جنسی زنان، آزادی شخصی آنها را محدود می‌کند؛ زیرا انتخاب زن را برای تعیین نحوه زندگی جنسی و احساسی از بین می‌برد. (رحمان و توبیا، ۲۰۰۰)

## ۲-۲-۵. حق منع شکنجه یا رفتار غیرانسانی یا تحقیرآمیز

ناقص سازی جنسی زنان براساس اعلامیه منع شکنجه می تواند نوعی شکنجه در نظر گرفته شود. در تفسیر شماره ۲ کمیته منع شکنجه اعلام شده است که ناقص سازی جنسی زنان نوعی شکنجه است. (کمیته ضد شکنجه، ۲۰۰۸) ناقص سازی جنسی زنان در تمام انواع خود، نمایانگر شکنجه است؛ زیرا براساس معیارهای تعریف شکنجه در کنوانسیون منع شکنجه، همواره با درد و رنج شدید همراه است. در تعریف شکنجه، درد به صورت یک معیار تعریف شده است. ناقص سازی جنسی زنان درد فراوانی به وجود می آورد که گاهی تا پایان عمر زنان را مجبور به تحمل آن می کند. ناقص سازی جنسی زنان، پیامدهای جسمی، روحی و بهداشتی کوتاه مدت و بلندمدت به دنبال دارد.

## ۲-۲-۶. حقوق کودکان

از آنجا که ناقص سازی جنسی زنان بیشتر بر روی دختران با محدوده سنی ۱۵ سال انجام می شود سال هاست که جامعه بین المللی، ناقص سازی جنسی زنان را نقض جدی حقوق بشر اعلام کرده است. کودکان به طور کلی اراده کامل برای تصمیم گیری در مورد آینده و حفاظت از خودشان را ندارند. از این رو، جامعه حقوق بشری حمایت های ویژه ای برای آنها در نظر گرفته است. از جمله این حمایت ها در کنوانسیون حقوق کودک جمع آوری شده است. در حال حاضر ۱۹۳ کشور کنوانسیون حقوق کودک را پذیرفته اند و نسبت به آن متعهد شده اند. ماده سوم کنوانسیون حقوق کودک به طور صریح بیان کرده است که بهترین منافع باید برای کودکان در نظر گرفته شود (یوان پی ای، ۲۰۱۴) جامعه بین المللی و ملت ها در سطوح ملی و فراملی، خواهان مبارزه با این سنت مضر هستند. از این رو، حقوق بشر نه تنها راه کارهایی برای مبارزه با ناقص سازی جنسی زنان در پیش گرفته است بلکه از زنان و کودکان قربانی ناقص سازی جنسی حمایت می کند. حقوق بشر سعی در تشویق و ترغیب کشورها در مورد ممنوعیت ناقص سازی جنسی زنان دارد و در بسیاری از جوامع، تلاش های حقوق بشر باعث تصویب قانون ممنوعیت ناقص سازی جنسی زنان شده است. در کنار راهکارهای حقوق بشری، ضرورت دارد که راهکارهای اجتماعی، آموزشی و اجتماعی در پیشگیری از انجام ناقص سازی جنسی زنان به کار گرفته شود.

## ۲-۳. ممنوعیت ناقص‌سازی جنسی زنان در چهارچوب اسناد بین‌المللی حقوق بشر

مهمترین و عام‌ترین اسناد بین‌المللی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق حقوق مدنی و سیاسی به‌طور صریح از ممنوعیت ناقص‌سازی جنسی زنان سخنی نگفته‌اند. نه فقط اسناد عام بلکه اسناد خاص حقوق بشری مانند کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان و کنوانسیون حقوق کودک نیز به ناقص‌سازی جنسی زنان اشاره‌ای ندارند. عدم اشاره صریح به مسئله ناقص‌سازی جنسی بدین معنا نیست که نمی‌توان آن را از دید اسناد بین‌المللی مذموم شمرد، بلکه تمام اسناد عام و خاص بین‌المللی به‌صورت ضمنی، موادی دارند که ممنوعیت ناقص‌سازی جنسی زنان را تأیید می‌کند.

### ۲-۳-۱. اسناد عام حقوق بشری

اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل مصوبه سال ۱۹۴۸ تعریفی کلی از حقوق بشر دارد و دیدگاهی جهانی از احترام به انسانیت برای همه مردم ارائه می‌دهد، ولی به‌طور خاص به حقوق زنان نمی‌پردازد. ماده دوم این اعلامیه، رعایت تمام حقوق و آزادی‌های در نظر گرفته شده در آن برای همگان را بدون قائل شدن هیچ تبعیضی از جمله تمایز جنسی تأکید می‌کند، اما مسئله این است که این حقوق از نقطه نظر زنان کمتر تفسیر شده است. بنابراین، مجموعه قابل ملاحظه‌ای از قوانین حقوق بشر بین‌المللی و تجربه عملی در این زمینه در دست نیست. (حمیدی، قاسمیان و صباغ نو، ۱۳۸۵) با وجود تلاش‌هایی که برای از بین بردن ناقص‌سازی جنسی زنان در برخی جوامع انجام گرفته، تداوم انجام آن به شناخت دستورالعمل‌هایی برای درمان و مراقبت از قربانیان نیاز دارد که از نظر سازمان بهداشت جهانی در ارتباط مستقیم با حقوق بشر و نابرابری‌های جنسیتی است. براساس ماده سوم اعلامیه جهانی حقوق بشر، هر فرد حق حیات، آزادی و امنیت ملی دارد و ناقص‌سازی جنسی زنان تهدیدی علیه یکپارچگی و سلامت جسمی آنهاست. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی یعنی، دومین سند معتبر عام بین‌المللی نیز ناقص‌سازی جنسی زنان را با توجه به موادی که در ذیل به آنها اشاره می‌شود به‌صورت ضمنی محکوم می‌کند (کمیته حقوق بشر، ۱۹۸۲). کمیته حقوق بشر، نهادی است که بر اجرای میثاق حقوق مدنی و سیاسی

نظارت دارد و حق زندگی را التزامی برای دولت‌ها دانسته و با اقدامات مثبت تفسیر کرده است؛ زیرا ناقص‌سازی جنسی، تهدیدی برای حق حیات آنهاست (رحمان و توبیا، ۲۰۰۶).

ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌گوید که کسی را نمی‌توان زیر شکنجه، مجازات یا رفتاری قرار داد که ظالمانه یا برخلاف انسانیت و شئون بشری یا موهن باشد. با استناد به کنوانسیون منع شکنجه می‌توان گفت که ناقص‌سازی جنسی نوعی شکنجه است. در کنوانسیون منع شکنجه، شکنجه به معنی هر نوع آسیب جسمی یا روحی است که با اهداف تبعیض‌آمیز انجام شود. ناقص‌سازی جنسی، درد و رنج جسمی و روحی به همراه دارد که مادام‌العمر است. این درد و رنج به‌میزانی است که بتوان آن را نوعی شکنجه تلقی کرد. (وود، ۲۰۰۲).

ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر به حقوق برابر زنان و مردان در ازدواج اشاره دارد. در بسیاری از جوامع به‌ویژه جوامع آفریقایی، ناقص‌سازی جنسی زنان اهرم فشار مردان برای کنترل زنان است. عده‌ای معتقدند که علت انجام ناقص‌سازی جنسی زنان و دوام آن در برخی از جوامع این است که ناقص‌سازی جنسی زنان، شهوت آنها را کنترل می‌کند و همین امر باعث ایجاد وفاداری زناشویی می‌شود. مردسالاری موجود در جامعه، زنان را وادار می‌کند تا با انجام ناقص‌سازی جنسی، دوام ازدواجشان را تضمین کنند. از سوی دیگر، چون زنان استقلال مالی نداشتند و ازدواج برای آنها به منزله ثبات مالی بود در برابر انجام ناقص‌سازی جنسی تسلیم می‌شدند. (شورای جمعیت، ۲۰۱۸).

در مواد ۲ و ۶ میثاق حقوق مدنی-سیاسی، حقوق بنیادین بیان می‌شود و این حقوق را برای همه افراد فارغ از نژاد، رنگ، زبان، مذهب، عقیده سیاسی و فارغ از جنس، برای همه یکسان می‌داند. ماده ۷ میثاق حقوق مدنی-سیاسی، هرگونه آزار، شکنجه، مجازات، رفتارهای ظالمانه یا خلاف انسانی یا ترذیلی را محکوم کرده است. واضح است که ناقص‌سازی جنسی می‌تواند مصداق هرکدام از واژه‌های ذکر شده در میثاق باشد. چه بسا در پایان ماده آمده است که انجام آزمایش‌های پزشکی و عملی بدون رضایت شخص ممنوع است. در بسیاری از موارد، زنان قربانی ناقص‌سازی جنسی، رضایتی به انجام این عمل ندارند. این ماده به صورت ضمنی، نقض‌کننده ناقص‌سازی جنسی زنان است. مواد

1. Rahman, A., & Toubia, N.
2. Wood, A. N.
3. Population Council

۱۸ و ۲۴ میثاق، حقوق اساسی هر فرد مانند حق برخورداری از آزادی فکر، وجدان و مذهب یا حق برخورداری کودک از عدم تبعیض و بهره‌مندی از حمایت قانونی خانواده، جامعه و حکومت را بیان می‌کند. (فیشا، ۲۰۱۶). ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به بالاترین استاندارد سلامت جسمی و روحی اشاره دارد. در همین مورد کمیته رفع تبعیض علیه زنان که وظیفه اصلی اجرای مفاد کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان را دارد در توصیه‌نامه‌ای خطاب به دولت‌ها از آنها خواسته است تا خط مشی مشخصی را برای سلامت زنان و دختران در نظر بگیرند و آنها را در برابر اقدامات مضر سنتی مانند ناقص‌سازی جنسی حمایت کنند (رحمان و تویبا، ۲۰۰۶).

کمیته رفع تبعیض علیه زنان در توصیه‌نامه خود در سال ۱۹۹۰ نسبت به ناقص‌سازی جنسی زنان و سایر اعمال و آداب سنتی که سلامتی زنان را تهدید می‌کند، ابراز نگرانی کرده است (کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ۲۰۰۰).<sup>۲</sup> این توصیه‌نامه از دولت‌ها خواسته است تا اقداماتی برای از بین بردن ناقص‌سازی جنسی زنان و سایر اقدامات سنتی انجام دهند. این اقدامات عبارتند از: جمع‌آوری اطلاعات و نشر آگاهی درباره ناقص‌سازی جنسی زنان توسط دانشگاه‌ها، انجمن‌های پزشکی، سازمان‌های حمایت از زنان و... کمک گرفتن از سیاست‌مداران و رهبران مذهبی برای پایان دادن به ناقص‌سازی جنسی زنان و سایر اقدامات سنتی، ایجاد خط‌مشی برای مراقبت و حمایت از زنان قربانی ناقص‌سازی جنسی، کمک گرفتن و مشورت گرفتن از سازمان ملل متحد برای پایان دادن ناقص‌سازی جنسی و ارائه گزارش‌هایی به کمیته مبنی بر اعمالی که براساس مواد ۱۰ و ۱۲ کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان برای مبارزه با ناقص‌سازی جنسی زنان انجام شده است (سی.ای.دی.ای. دابلیو، ۱۹۹۰).<sup>۳</sup> براساس قطعنامه سازمان ملل، اعمالی وجود دارد که علیه زنان تبعیض‌آمیز و یا برای سلامتی آن مضر است مانند ناقص‌سازی جنسی زنان، کودک‌کشی، قتل‌های ناموسی و... انجام بسیاری از این اعمال در جوامع با توجیه دینی صورت می‌گیرد و حتی رهبران مذهبی با این ادعا که این اعمال از زمان‌های گذشته انجام می‌شده است با انجام آنها موافقت می‌کنند در حالی که با احکام ادیان در تعارض است.

1. Fisha, KG.  
2. Committee on Economic, Social and Cultural Rights  
3. CEDAW

از جمله راه‌حل‌های جلوگیری از ناقص‌سازی جنسی زنان تصویب قانونی برای ممنوعیت این سنت‌های مضر و لغو قوانینی است که حقوق زنان را نقض می‌کند. برای مثال بهترین راه برای ممنوعیت ناقص‌سازی جنسی زنان، تعیین مجازات و جریمه پزشکان است. راه‌حل دیگر این است که دولت‌ها باید راهبردهایی برای تغییر هنجارها و نگرش‌ها با هدف از بین بردن تبعیض علیه زنان و سنت‌های مضر علیه آنها تعیین کنند. گفت‌وگو با رهبران دینی، پزشکان و مقامات سیاسی، استفاده از رسانه‌ها و آموزش در تغییر نگرش جوامع می‌تواند مؤثر باشد. (کمیته رفع تبعیض علیه زنان وابسته به سازمان ملل<sup>۱</sup>، ۱۹۹۰) هرچند در مواد ذکرشده به صورت صریح، اسمی از ممنوعیت ناقص‌سازی جنسی زنان نیامده است، اما با توجه به تحلیل‌ها و با تأمل در همه مواد میثاق حقوق مدنی-سیاسی به‌طورکلی و در مواد فوق به‌طورخاص می‌توان دریافت که ناقص‌سازی جنسی زنان مخالف با حق عدم تبعیض نژادی، حق بر جسم و حق بر سلامتی است (فیضا، ۲۰۱۶).

## ۲-۳-۲. اسناد خاص حقوق بشری

مهمترین سند خاص درباره حقوق زنان، کنوانسیون رفع تبعیض علیه آنهاست. در این کنوانسیون مانند کنوانسیون حقوق کودک و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی با تبیین مقدمه‌ای حقوق بشری در مورد شناسایی و لزوم تضمین حقوق بنیادین بشر و تعهد دولت‌ها در این ارتباط، اشاره‌ای مستقیم به ختنه دختران و زنان و ناقص‌سازی جنسی آنها نشده است، اما می‌توان به مواردی مرتبط با آن اشاره کرد. به‌طورکلی کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، تبعیض را تعریف کرده و به مبارزه با آن پرداخته است. ماده ۲ کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان از دولت‌ها می‌خواهد تا از راه‌های مختلف مثل دادگاه‌های صالح ملی و دیگر مؤسسات عمومی به رفع تبعیض بپردازند. در بند نخست ماده ۵ از دولت‌های عضو خواسته شده است تا در پی تغییر الگوهای رفتاری، اجتماعی و فرهنگی باشند تا بتوانند تعصبات و طرز تفکر پست‌نگری یا برتری‌بینی یک جنس نسبت به جنس دیگر را از بین ببرند. براساس ماده ۱۲ این کنوانسیون، دولت‌های عضو باید اقدامات لازم برای محو تبعیض در مراقبت‌های بهداشتی را تضمین کنند. در ماده ۱۴ کنوانسیون چون شمول و

1. UN Committee on the Elimination of Discrimination against Women (CEDAW)



وقوع ختنه دختران و زنان در مناطق روستایی و محروم کشورها بیشتر است به حمایت از زنان روستایی در ارتباط با ناقص‌سازی جنسی زنان تأکید شده است. روند پیوستن کشورها به این کنوانسیون روبه فزونی است. نظر به گستره جهانی آن کنوانسیون و تبدیل شدن آن به یک عرف بین‌المللی و یکی از منابع اصلی حقوق بین‌الملل، رعایت الزامات حقوقی و بین‌المللی مقرر در آن از سوی دولت‌های غیرعضو مانند ایران نیز مورد انتظار و تأکید است. (سلم، ۲۰۱۷)

توصیه‌نامه شماره ۱۴ که توسط کمیته رفع تبعیض علیه زنان در سال ۱۹۹۰ تدوین شد به‌طور واضح به مسئله ناقص‌سازی جنسی زنان می‌پردازد. جمع‌آوری اطلاعات در مورد روش‌های مضر و سنتی ناقص‌سازی جنسی زنان، حمایت از زنان قربانی ناقص‌سازی جنسی، به‌کارگیری سیاستمداران، رهبران دینی برای محو ناقص‌سازی جنسی زنان، آموزش زنان و آگاه کردن آنها در مورد ناقص‌سازی جنسی از اهدافی است که توصیه‌نامه شماره ۱۴ دنبال می‌کند. (سی.ای.دی.ای. دابلیو، ۱۹۹۰) از آنجا که ناقص‌سازی جنسی زنان بیشتر بر روی دختران زیر ۱۸ سال صورت می‌گیرد و این دسته از افراد بیش از دیگران در معرض عوارض ناشی از ناقص‌سازی جنسی هستند، این ناقص‌سازی مسئله‌ای است که به حقوق کودکان مرتبط می‌شود. کنوانسیون مذکور با احترام به مسئولیت‌ها، حقوق و وظایف والدین و سایر افراد مسئول نگهداری قانونی کودکان، دولت‌ها را مکلف می‌کند که راهنمایی و ارشاد لازم برای اعمال حقوق شناخته شده کودک در آن را به عمل آورند. در کنوانسیون حقوق کودک، حقوق متعددی برای کودکان، همسو با حقوق بشر و میثاق‌های جهانی منظور شده و بر رعایت آن تأکید شده است. در بخش نخست ماده ۱۹ هرگونه خشونت روحی و جسمی در مورد کودکان محکوم می‌شود. ماده ۳۷ این کنوانسیون، خواستار محو تمام رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز است. ماده ۳۶ از کودکان در برابر انواع استثمار حمایت می‌کند. در ماده ۲۴ نیز کنوانسیون از دولت‌ها دعوت می‌کند تا اقدامات مناسب و مؤثر برای از بین بردن شیوه‌های سنتی منفی که بر سلامت کودکان تأثیر دارد را به‌کارگیرند (یوان.اف.پی.ای. - یونیسف، ۲۰۱۹).<sup>۱</sup> براین اساس، ختنه دختران خردسال با اصول فوق در تضاد

1. Salem, N.  
2. UNFPA-UNICEF

آشکار است؛ زیرا با ختنه دختران، آنها تا حد زیادی احساسات و قدرت جنسی خود را از دست می‌دهند. باتوجه به غیربهداشتی و غیرعلمی دانستن ختنه دختران و زنان از سوی انجمن‌های پزشکی جهانی، سازمان ملل و سازمان‌های بین‌المللی، این امر با اصل رعایت منافع کودکان نیز در تضاد است. همچنین باتوجه به صدمات زیاد جسمی و روحی، ختنه زنان و کودکان با حق زیست و رشد مناسب آنها در تعارض است. ختنه دختران، آنها را از حق داشتن زندگی جنسی به‌طور کلی یا جزئی محروم می‌کند. این امر با اصل بهادادن به دیدگاه‌های کودکان نیز در تضاد است (کلاسن و رودریگز، ۲۰۱۸).

کنوانسیون منع شکنجه نیز یکی از چند کنوانسیون است که جامعه بین‌المللی برای محو و مبارزه با ناقص‌سازی جنسی زنان از آن استفاده می‌کند. گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد خشونت علیه زنان و گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد شکنجه، هر دو تشخیص داده‌اند که ناقص‌سازی جنسی زنان می‌تواند به‌موجب این کنوانسیون، شکنجه باشد (یونیسف، ۲۰۱۹). مهمترین منبع در تعریف شکنجه، ماده یک کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه شکنجه<sup>۱</sup> است که معیارهای مشخصی را فراهم می‌کند که آیا یک عمل، شکنجه است یا خیر؟ معیارها باید سه مؤلفه اصلی داشته باشند: اول اینکه فرد باید درد و رنج شدید داشته باشد. ناقص‌سازی جنسی زنان باعث درد و رنج درازمدت از نظر جسمی و روانی می‌شود. این امر باعث می‌شود که اولین معیار برای تأیید ناقص‌سازی جنسی زنان در قالب شکنجه، مورد قبول قرار گیرد. دومین معیار برای در نظر گرفتن ناقص‌سازی جنسی زنان در قالب شکنجه، این است که ضرر و زیان ناشی از شکنجه باید مدنظر باشد و مؤثر واقع شود. والدین دخترانی که قربانی ناقص‌سازی جنسی زنان بوده‌اند استدلال می‌کنند که قصدشان این نبوده که به دخترانشان آسیب برسانند، بلکه می‌خواستند که دخترانشان همگام با فرهنگ و سنت موجود در جامعه پرورش یافته باشند. کمیته مبارزه با شکنجه اعلام کرده است که عناصر قصد و هدف در ماده ۱ شامل تحقیقات ذهنی در مورد انگیزه مجرمان نیست، بلکه باید قصد و هدف در قبال شرایط عینی معین شود. در چارچوب عمل ناقص‌سازی جنسی زنان، قصد و هدف این بوده است که بخشی از بدن زنان از بین

1. Klaassen, M., & Rodrigues, P.  
2. UN Convention against Torture (CAT)

برده شود. بنابراین، قصد و هدف، آسیب‌رساندن به قربانی بوده است. سومین معیار تلقی ناقص‌سازی جنسی زنان در قالب شکنجه این است که زمانی ناقص‌سازی جنسی زنان ممنوع است که هدف انجام آن نیز ممنوع باشد. متن ماده یک کنوانسیون منع شکنجه به صراحت می‌گوید: «ایراد عمدی هرگونه درد و یا رنج شدید بدنی یا روحی به یک شخص به عنوان هدف ممنوعه مورد نیاز برای وجود شکنجه است. ناقص‌سازی جنسی زنان در دختران و زنانی که قربانی آن هستند متحمل عوارض شدید و جبران‌ناپذیر جسمی، روانی و اجتماعی می‌شود» (مولوی، ۲۰۱۷). باتوجه به گفته‌های فوق، ناقص‌سازی جنسی زنان نوعی شکنجه است. قواعد حقوق بین‌المللی بشر به وضوح، وظیفه حفاظت اشخاص از شکنجه را وظیفه دولت‌ها می‌داند. این دولت‌ها هستند که باید اشخاص تحت حاکمیت خود را در برابر شکنجه، تأمین و محافظت کنند (مولوی، ۲۰۱۷).

#### ۲-۴. نقش سازمان و نهادهای بین‌المللی در محو و ممنوعیت ناقص‌سازی جنسی زنان

مهمترین سازمان بین‌المللی دولتی، سازمان ملل متحد است. اقدام جهانی برای پایان دادن ناقص‌سازی جنسی زنان تا پایان سال ۲۰۳۰ توسط سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شده است. نهادهای بین‌المللی دولتی دیگر از جمله یونیسف و صندوق جمعیت سازمان ملل متحد<sup>۲</sup> خواستار تسریع برای دستیابی به این هدف شده‌اند. از سال ۲۰۰۸ یونیسف با صندوق جمعیت سازمان ملل متحد در برنامه مشترک UNFPA-UNICEF در مورد نقض حریم شخصی زنان در مورد عمل ناقص‌سازی جنسی شرکت داشته است. از بزرگ‌ترین اقدامات برنامه مشترک UNFPA-UNICEF این است که از دولت‌ها می‌خواهد هرگونه فعالیت‌های مربوط به ناقص‌سازی جنسی زنان را ممنوع کند تا ملت‌ها بتوانند برای رهایی از ناقص‌سازی جنسی زنان، تصمیمی واحد و مشترک بگیرند. برنامه‌های یکپارچه و فرهنگی، بحث‌های اجتماعی و آموزش در مورد حقوق بشر این بستر را فراهم می‌کند که روش‌های مؤثرتری برای مبارزه با ناقص‌سازی جنسی زنان یافت شود. این برنامه مشترک ارائه شده از سوی یونیسف و صندوق جمعیت سازمان ملل متحد جوامع را به انجام تعهداتی برای محو ناقص‌سازی جنسی زنان ملزم می‌کند.

1. Mulvey, A.

2. UN Population Fund (UNFPA)

ارزیابی از برنامه مشترک UNFPA-UNICEF در سال ۲۰۱۳ نشان می‌دهد که برنامه مشترک باعث تسریع مبارزه و محو ناقص‌سازی جنسی زنان در سطح جامعه بین‌المللی ملی شد. (یونیسف، ۲۰۱۶) در نظریه توصیه‌ای کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به سیاست‌های نابرابر بین زنان و مردان در کشور بنین پرداخته شده است. در این نظریه از بنین خواسته شده است که در راستای پیشرفت زنان با توجه به بیانیه پکن<sup>۱</sup> اقدام کند و به تدریج سنت‌ها و نگرش‌های کلیشه‌ای را که باعث نابرابری زنان و مردان می‌شود، حذف کند. در چارچوب حقوق این توصیه‌نامه به ناقص‌سازی جنسی زنان توجه شده است. در بنین براساس خواست توصیه‌نامه باید قانونی مبتنی بر ممنوعیت ناقص‌سازی جنسی زنان تصویب شود و برای انجام ناقص‌سازی مجازات در نظر گرفته شود. در قسمت دیگری از توصیه‌نامه از مقامات کشور بنین درخواست شده است تا برای ممنوعیت ناقص‌سازی جنسی زنان، مجازات در نظر بگیرند و بر اجرای قانون ممنوعیت و مجازات‌ها نظارت داشته باشند (کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ۲۰۰۸)<sup>۲</sup>

در توصیه‌نامه دیگری از کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با پرداختن به حقوق فرهنگی، به ممنوعیت ناقص‌سازی جنسی زنان نیز توجه شده است. حقوق فرهنگی، جزئی جدایی‌ناپذیر از حقوق بشر است و در جهانی که حقوق فرهنگی متنوعی در آن وجود دارد بر حفظ کرامت انسانی و تعامل مثبت اجتماعی بین افراد و جوامع تأکید دارد. این توصیه‌نامه به ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر مبنی بر اینکه همه افراد حق دارند آزادانه در زندگی فرهنگی اجتماع شرکت کنند، اشاره دارد. براساس این توصیه‌نامه، دولت‌ها موظفند آزادی افراد برای شرکت در اجتماع فرهنگی را تأمین کنند. حال اگر اجتماعات فرهنگی برای رفاه شخص یا اشخاصی ضرر داشته باشد، دولت عضو باید از انجام این اقدامات جلوگیری کند. این توصیه‌نامه از دولت‌های عضو خواسته است تا مانع انجام ناقص‌سازی جنسی زنان در جوامع خود شوند و اگر ممانعتی نسبت به انجام آن به عمل نیاورند دولت خاطی شناخته می‌شوند. (کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ۲۰۰۹)<sup>۳</sup>

1. Beijing Declaration
2. Committee on Economic, Social and Cultural right
3. Committee on Economic, Social and Cultural right

کمیته حقوق بشر<sup>۱</sup> نظریه‌ای تفسیری درباره ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی دارد که حق زندگی را برای تمام انسان‌ها به رسمیت شناخته است. حق زندگی، یکی از عالی‌ترین و مهمترین حقوق انسان‌هاست که در هیچ شرایطی حتی در شرایط درگیری مسلحانه نیز نباید نادیده گرفته شود. ماده ۶ میثاق، تمام افراد را مستحق زندگی باعزت می‌داند و تمام فعل یا ترک فعل‌هایی را که باعث مرگ نابه‌هنگام افراد می‌شود، محکوم می‌کند. همچنین تمام دولت‌ها را متعهد می‌کند تا حق زندگی را محترم بشمارند و در صورت نقض آن درصدد جبران خسارت به قربانیان باشند. محرومیت از حق زندگی می‌تواند قابل پیش‌بینی یا غیرقابل پیش‌بینی و یا ناشی از فعل یا ترک فعل و باعث آسیب‌های روحی و جسمی و یا حتی تهدیدی برای روح و جسم افراد باشد که در هر صورت قابل پذیرش نیست (کمیته حقوق بشر، ۲۰۱۹).

کمیته حقوق بشر، نهادی بین‌المللی و مستقل است که بر اجرای مفاد میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی توسط دولت‌ها نظارت می‌کند. همه کشورها پس از پیوستن به میثاق موظفند گزارش‌هایی مبنی بر شیوه اجرای مفاد میثاق را به کمیته حقوق بشر ارائه دهند. کمیته پس از بررسی هر گزارش، توصیه‌هایی با نام مشاهدات نهایی به دولت‌ها ارائه می‌دهد. این کمیته از دولت‌ها می‌خواهد که ناقص‌سازی جنسی زنان را با نام خشونت علیه زنان و دختران بررسی کند و عقیده دارد که ناقص‌سازی جنسی زنان مانند کودک‌آزاری است و باید به مقامات قضایی هر کشور گزارش داده شود. همچنین از دولت‌ها می‌خواهد که براساس چارچوب قواعد بین‌المللی با ناقص‌سازی جنسی زنان مبارزه و مقامات دولتی از تمام اختیارات خود برای ممنوعیت ناقص‌سازی جنسی زنان استفاده کنند. از دولت‌ها می‌خواهد تا مکانیسمی برای اجرای قواعد بین‌المللی برای ممنوعیت ناقص‌سازی جنسی زنان و فرآیندی برای توجه به گزارشات حاکی از ناقص‌سازی جنسی ایجاد کند. گاهی افرادی به‌واسطه شغل خود از ناقص‌سازی جنسی زنان مطلع می‌شوند مانند پرستاران، پزشکان و.... این افراد ملزمند تا گزارش ناقص‌سازی جنسی را به مقامات خود بدهند؛ چون ممکن است کودکان دختر در صورت ناقص‌سازی جنسی در معرض

1. Human Rights Committee  
2. Human Rights Committee

خطر بیشتری قرار گیرند و بر ارائه گزارش در مورد این کودکان تأکید بیشتری شده است. این کمیته همچنین برای عدم گزارش ناقص سازی از دولت‌ها می‌خواهد که مجازات در نظر بگیرند. درباره کودکان دختر هم از آنجا که ناقص سازی جنسی آنها، کودک آزاری است به دولت‌ها پیشنهاد می‌دهد که مجازات عدم گزارش ناقص سازی جنسی را مجازات کودک آزاری قرار دهند. این کمیته علاوه بر الزام به گزارش اجباری ناقص سازی جنسی زنان، تأکید می‌کند که معلمان، کارکنان بهداشت و مراقبت‌های اجتماعی، پلیس، افسران مهاجرت و سازمان‌های غیردولتی که با کودکان و جوانان کار می‌کنند آموزش‌های لازم در مورد ناقص سازی جنسی را ببینند تا بتوانند افراد در معرض ناقص سازی را شناسایی کنند و یا اگر کسی قربانی ناقص سازی جنسی زنان است، بتوانند او را حمایت و پشتیبانی کنند.

(سند حقایق بریتانیا، ۲۰۱۶)

کمیسیون مقام زن از دیگر نهادهای بین‌المللی است که در راستای محو ناقص سازی جنسی زنان تلاش‌های قابل توجهی داشته است. کمیسیون مقام زن، ناقص سازی جنسی زنان را تهدیدی جدی برای سلامت زنان می‌داند؛ زیرا سلامت روان شناختی، جنسی و باروری آنها را تهدید می‌کند، آنها را در برابر ابتلا به HIV آسیب پذیرتر می‌کند و زایمان‌های دردناک و خطرناکی را برای آنها به دنبال دارد. بر این اساس، کمیسیون مقام زن از دولت‌ها می‌خواهد تا برای محو و ممنوعیت ناقص سازی جنسی زنان با یکدیگر همکاری کنند. این کمیسیون به شدت نگران تبعیضی است که علیه دختران در جوامع وجود دارد. این تبعیض باعث می‌شود که دختران به تحصیل مناسب دسترسی نداشته باشند. کمیسیون مقام زن، کلید اصلی مبارزه با ناقص سازی جنسی زنان را توانمندسازی آنها می‌داند و از دولت‌ها می‌خواهد که به تعهدات خودشان در مورد کنوانسیون حقوق کودک، کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، اعلامیه رفع خشونت علیه زنان و به توصیه‌های بیست و سومین نشست ویژه مجمع عمومی با عنوان زنان ۲۰۰۰: برابری جنسیتی، توسعه و صلح برای قرن ۲۱ و بیست و هفتمین نشست ویژه مجمع عمومی در مورد فرزندان عمل کنند. کمیسیون مقام زن، تأکید زیادی بر آگاهی بخشی جامعه در مورد مضرات ناقص سازی جنسی زنان

دارد. در این راستا تلاش می‌کند که تمام مقامات دولتی، مقامات قضایی، ارائه‌دهندگان خدمات بهداشتی، معلمان، کارفرمایان، رسانه‌ها، والدین و خانواده‌ها را در مورد مضرات ناقص‌سازی جنسی آگاه کند تا این آگاهی باعث از بین رفتن ناقص‌سازی جنسی زنان در جوامع شود. از کشورها نیز می‌خواهد که با تمام اقدامات مضر سنتی برخورد حقوقی و قضایی کند و از زنان و کودکان مهاجر و پناهنده که قربانی ناقص‌سازی جنسی زنان شده‌اند، حمایت کنند.

کمیسیون مقام زن، دولت‌ها را ترغیب می‌کند تا در صورت لزوم، قوانینی برای ممنوعیت ناقص‌سازی جنسی زنان وضع کنند و یا قوانین ناکارآمد در مورد ممنوعیت را اصلاح و با استفاده از قانون از انجام ناقص‌سازی جنسی زنان در جوامع جلوگیری کنند. همچنین از دولت‌ها می‌خواهد از قربانیان ناقص‌سازی جنسی زنان پشتیبانی اجتماعی و روانی کنند و مراکز پشتیبانی خدماتی برای کمک به سلامت زنان و دختران برقرار کنند. اقداماتی که کمیسیون مقام زن انجام داده باعث شده است تا دولت‌ها نسبت به کنوانسیون‌های مرتبط با حقوق زنان پایبندتر شده و تا حد قابل توجهی بر ممنوعیت ناقص‌سازی جنسی زنان تأثیر داشته باشند. (سوابق رسمی شورای اقتصادی و اجتماعی (ای.سی.ا.س.ا.سی، ۲۰۰۷)

از دیگر سازمان‌های بین‌المللی دولتی که نقش وسیعی در زمینه ممنوعیت ناقص‌سازی جنسی زنان دارد، اتحادیه اروپاست.<sup>۱</sup> یکی از اقدامات آگاهی‌دهنده اتحادیه اروپا، انتشار نشریه‌ای تخصصی است. اتحادیه اروپا در ۲۵ نوامبر سال ۲۰۱۳ نشریه‌ای به نام حذف ناقص‌سازی جنسی<sup>۲</sup> منتشر کرد. در این نشریه مشخص شده است که برای حذف، محو و مبارزه با ناقص‌سازی جنسی زنان چه اقداماتی باید انجام شود. این نشریه نمونه بارز همکاری بین‌المللی اتحادیه اروپا برای محو ناقص‌سازی جنسی زنان است. (یونیسف، ۲۰۱۶)

ناقص‌سازی جنسی زنان در اتحادیه اروپا جرم تلقی می‌شود و حتی انجام ناقص‌سازی جنسی را در خارج از کشورهای اتحادیه اروپا نیز محکوم می‌کنند (کمیسیون اروپا،<sup>۳</sup> ۲۰۱۳).

کمیسیون اروپایی اتحادیه اروپا در ترویج اقدامات پیشگیرانه و حمایت از قربانیان با تغییر

1. Economic and Social Council Official Records (ECOSOC)

2. The European Union (EU)

3. Elimination of Female Genital Mutilation.

4. European Commission



هنجارهای اجتماعی و توانمندسازی زنان، اهداف مورد نظر را در قالب اقداماتی دنبال می‌کند که عبارتند از: ترویج و توسعه مؤسسات آموزشی و راهنمایی افراد با برنامه حقوق، همبستگی و شهروندی با هدف پیشگیری از انجام عمل ناقص‌سازی جنسی زنان و حمایت از قربانیان ناقص‌سازی جنسی زنان؛ تشویق دولت‌های عضو اتحادیه اروپا به تقویت نظام حفاظت از کودکان و اطمینان یافتن از اینکه هماهنگی‌ها و همکاری‌های لازم برای ایجاد یک سیستم یکپارچه و مفید برای مقابله با ناقص‌سازی جنسی کودکان در کشورهای عضو صورت می‌گیرد؛ پیگیری برنامه دُفن اتحادیه اروپا که این برنامه قصد دارد با استفاده از حقوق همبستگی و شهروندی اتحادیه اروپا به ترویج و توسعه سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی که قصد جلوگیری از خشونت علیه زنان و کودکان و آگاهی‌دادن به کودکان در مورد حقوقشان دارد، کمک کند. (اطلاعیه کمیسیون مجلس و شورای اروپا برای حذف ختنه زنان، ۲۰۱۳)

اتحادیه آفریقا<sup>۲</sup> یکی از سازمان‌های بین‌دولتی منطقه‌ای دیگر است که اقدامات قابل توجهی در منع و محو ناقص‌سازی جنسی زنان انجام داده است. آفریقا یعنی، قاره‌ای که بیشترین آمار انجام ناقص‌سازی در جهان را دارد توسط اتحادیه آفریقا با ناقص‌سازی جنسی زنان مبارزه می‌کند. (یونیسف، ۲۰۱۶) این اتحادیه روز ۶ فوریه را روز جهانی عدم هرگونه مدارا با مثله‌کردن جنسی زنان<sup>۳</sup> نامیده است. ۲۰ دسامبر میلادی توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد، روز عدم مدارا با ناقص‌سازی جنسی زنان نامیده شده است. هدف از نام‌گذاری این روز این بود که مردم را در مورد خطرات ناشی از ناقص‌سازی جنسی زنان آگاه کند. اتحادیه آفریقا ابزارهای قانونی لازم برای مبارزه با ناقص‌سازی جنسی زنان را اتخاذ کرده است تا ترویج شیوه‌های سنتی را که به سلامت و رفاه دختران و زنان لطمه می‌زند، ممنوع اعلام کند. ماده ۲۱ منشور حقوق بشر و حقوق مردمان اتحادیه آفریقا کشورهای عضو را ملزم به حذف و محو تمام فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی مضر مانند ناقص‌سازی جنسی زنان کرده است. ماده ۵ پروتکل منشور آفریقا در مورد حقوق زنان در آفریقا (پروتکل ماپوتو)<sup>۴</sup> به صراحت اعلام کرده است که کشورهای عضو باید تمام شیوه‌های سنتی مضر مانند

1. Communication from the Commission to the European Parliament and the Council Towards the elimination of female genital mutilation
2. The African Union
3. International Day of Zero Tolerance for Female Genital
4. Rights on the Rights of Women in Africa (Maputo Protocol)

ناقص‌سازی جنسی زنان را منع و محکوم کنند؛ زیرا این شیوه‌های سنتی بر حقوق بشر زنان تأثیر می‌گذارد و برای مبارزه با این شیوه‌های مضر سنتی باید از تمام اقدامات قانونی مانند قانون‌گذاری و جرم‌انگاری کردن استفاده کرد تا ناقص‌سازی جنسی زنان، جرم شناخته شود. اتحادیه آفریقا خواستار محو ناقص‌سازی جنسی زنان و حمایت و حفاظت از زنان در برابر نقض جدی حقوق بنیادین زنان است. از دیگر نقش‌های مهم اتحادیه آفریقا این است که کشورهای عضو را تشویق می‌کند تا منشور حقوق و رفاه کودکان آفریقا<sup>۱</sup> و همچنین پروتکل ماپوتو را تصویب کنند. (اتحادیه آفریقا<sup>۲</sup>، ۲۰۱۶) پروتکل حقوق زنان در آفریقا ممنوعیت اقدامات مضر مانند ناقص‌سازی جنسی زنان را اعلام کرده است (هو، ۲۰۰۷).

سازمان‌های غیردولتی زیادی در تمام جهان تشکیل شده‌اند که آنها نیز به مبارزه با ناقص‌سازی جنسی زنان پرداخته‌اند مانند سازمان وادی<sup>۳</sup> که در سال ۱۹۹۲ تأسیس شده و از برنامه‌ها و پروژه‌های مختلف برای حمایت از مردم و تقویت حقوق بشر در خاورمیانه حمایت می‌کند. وادی با برگزاری کلاس‌های آموزش و سوادآموزی، کمک به قربانیان خشونت خانگی و ایجاد فضایی برای زنان و دختران، نقش خود را در بهبود حقوق زنان ایفا می‌کند. یکی از مهمترین فعالیت‌های وادی، مبارزه با ناقص‌سازی جنسی زنان در منطقه‌های کردنشین است. آنها با خشونت علیه زنان مبارزه و برای بهبود وضعیت اجتماعی و اقتصادی زنان در جامعه عراق مبارزه می‌کنند. وادی در سال ۲۰۱۰ مطالعه‌ای بر روی ناقص‌سازی جنسی زنان در منطقه کردستان عراق منتشر کرد که نشان داد ۷۲٪ از زنان و دختران کرد ختنه شده بودند. وادی در فوریه ۲۰۰۶ نخستین کنفرانس عراقی را علیه ناقص‌سازی جنسی زنان در اربیل برگزار کرد که در جذب منافع دولت منطقه‌ای کردی برای مبارزه با ناقص‌سازی جنسی زنان موفق بود. در ماه ژوئن ۲۰۱۱ مجلس منطقه مستقل کردستان، لایحه خشونت خانگی که ناقص‌سازی جنسی زنان را ممنوع کرده بود، تصویب کرد. (اندیستاهال<sup>۴</sup>، ۲۰۱۷)

نهادها و برنامه‌های بین‌المللی دیگری نیز اقدامات قابل توجهی درباره منع و محو ناقص‌سازی جنسی زنان انجام داده‌اند که محدودیت حجمی مقاله حاضر اجازه پرداختن

1. The African Charter on the Rights and Welfare of the Child  
 2. African Union  
 3. Wadi  
 4. Andistahal, m.

به همه آنها رانمی دهد. از جمله این نهادها عبارتند از: کمیساریای عالی حقوق بشر<sup>۱</sup>، برنامه مشترک سازمان ملل متحد درباره ایدز<sup>۲</sup>، برنامه پیشرفت و توسعه سازمان ملل متحد<sup>۳</sup>، کمیسیون اقتصادی ملل متحد برای آفریقا<sup>۴</sup>، صندوق جمعیت سازمان ملل متحد<sup>۵</sup>، کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل<sup>۶</sup>، صندوق کودکان سازمان ملل متحد<sup>۷</sup>، صندوق توسعه ملل متحد برای زنان<sup>۸</sup> و سازمان بهداشت جهانی. این سازمان‌ها با ایجاد شرایط مناسب برای تغییر نگرش در مورد ناقص‌سازی جنسی فعالیت می‌کنند. فعالیت‌هایی که سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی انجام می‌دهند زمینه‌های متنوعی را در برمی‌گیرد. بیشتر این مبارزات، تأثیر مهمی در تغییر نگرش نسبت به ناقص‌سازی جنسی زنان دارد و به نحو ناقص‌سازی جنسی زنان در سراسر جهان کمک می‌کند.

## ۲-۵. راهکارها و پیشنهادات حقوق بشری برای پیشگیری و ممنوعیت ناقص‌سازی جنسی زنان

### ۲-۵-۱. استفاده از فرصت‌های احتمالی پیش‌آمده جهانی برای پیشگیری از ناقص‌سازی جنسی زنان

در هر جامعه فرصت‌هایی به وجود می‌آید که با استفاده از آنها می‌توان تاجای ممکن از انجام ناقص‌سازی جنسی زنان جلوگیری کرد. مثال بارز این موقعیت، بحران ابولا در گینه است. در سایه شیوع بیماری ابولا مراسم ناقص‌سازی جنسی زنان در گینه متوقف شد و یا به صورت پنهانی اجرا می‌شد. از سال ۲۰۱۳ تا سال ۲۰۱۶ ابولا باعث مرگ ۲۵۵۳ نفر شد. ترس از آلودگی و رعایت پروتکل‌های بهداشتی باعث شد که مراسم و اجتماعات انسانی به حداقل برسد. در سال ۲۰۱۴ نشان داده شده است که برای متوقف کردن زنجیره بیماری ابولا جشن‌ها و مراسم ناقص‌سازی جنسی زنان را متوقف کردند. توقفی که در انجام ناقص‌سازی جنسی زنان به دلیل شیوع ابولا به وجود آمد این فرصت را به جامعه جهانی داد

1. Commissioner for Human Rights
2. United Nations Joint Program on AIDS
3. United Nations Development Program
4. United Nations Economic Commission for Africa
5. United Nations Population Fund
6. United Nations High Commissioner for Refugees
7. United Nations Children's Fund
8. United Nations Development Fund for Women

تا با کارشناسان مذهبی، ماما‌های سنتی، روحانیون و رهبران مذهبی ارتباط برقرار نموده و با آنها در مورد خطرات ناشی از ناقص‌سازی جنسی زنان گفت‌وگو کنند. همچنین خطر مرگ‌ومیر زنان به علت ناقص‌سازی جنسی آنها تشریح شود (یوان.اف.پی.ای. - یونیسف، ۲۰۱۹)

## ۲-۵-۲. تغییر نگرش‌های جامعه

اگر نگرش‌های منفی و غلطی جامعه تصحیح شود به تنهایی می‌تواند عاملی برای جلوگیری از ناقص‌سازی جنسی زنان باشد. آیین ناقص‌سازی جنسی زنان در جنوب سودان و کنیا بسیار مرسوم است. برنامه مشترک یونیسف - یوان.اف.پی.ای. برای تغییر این نگرش به روحانیون و عالمان مراجعه کردند و آنها با توضیح اینکه ناقص‌سازی جنسی زنان چه مضراتی برای زنان دارد، روحانیون و کاهنان را قانع کردند که به جای انجام ناقص‌سازی جنسی زنان، مرغ یا گوسفند را قربانی کنند و از ریختن خون آنها برکت زندگی زناشویی‌شان را افزایش دهند. تغییر این اعتقاد در آن جامعه باعث پیشگیری و محو تدریجی ناقص‌سازی جنسی زنان در آن جامعه کوچک شد. (یوان.اف.پی.ای. - یونیسف، ۲۰۱۹)

## ۲-۵-۳. اعمال تدریجی راه‌های برخورد با ناقص‌سازی جنسی زنان

هدف غایی و نهایی در منع ناقص‌سازی جنسی زنان به یک‌باره حاصل نمی‌شود. با اتخاذ اقدامات گوناگون و متناسب با وضعیت به تدریج می‌توان به این هدف دست یافت. برای نمونه بورکینافاسو در طی چند دهه به تحریم و محو ناقص‌سازی جنسی زنان پرداخت. دولت ابتدا با آموزش، عموم مردم را از مضرات ناقص‌سازی جنسی زنان آگاه کرد. پس از آن به آموزش نیروی انتظامی پرداخت تا آنان با ناقص‌سازی جنسی زنان مبارزه کنند. سپس قواعد جامعه بین‌المللی در مورد ناقص‌سازی جنسی زنان را در میان جامعه رواج داد و این‌گونه مردم را با ناقص‌سازی جنسی زنان در بعد وسیع‌تر آشنا کرد، سپس در مورد ناقص‌سازی جنسی زنان قانون تصویب کرد. از نظر جامعه جهانی، بورکینافاسو جامعه‌ای موفق در تحریم ناقص‌سازی جنسی زنان است؛ زیرا در طی چند دهه اذهان عموم مردم را برای پذیرش قانون ممنوعیت ناقص‌سازی جنسی زنان آماده کرد به‌گونه‌ای که قانون توانایی پذیرش و اجرا شدن در جامعه را داشته باشد. در سال ۱۹۹۶ بورکینافاسو قانون

ممنوعیت ناقص سازی جنسی زنان را تصویب و مجازات آن را حبس و جریمه اعلام کرده است. کشورهای زیادی هستند که قانون ممنوعیت ناقص سازی جنسی زنان را تصویب کرده اند، اما بوركینافاسو در تصویب و اجرای قانون بسیار خوب عمل کرده است به گونه ای که می توان آن را بهترین نمونه دانست.

#### ۲-۵-۴. ضرورت تشدید در مجازات ها

تضمین های در نظر گرفته شده برای نقض قوانین مربوط به منع ناقص سازی جنسی زنان چندان کافی نیست و ضرورت دارد با هدف تأثیرگذاری در منع ناقص سازی جنسی زنان تشدید و مجازات های بازدارنده به کار گرفته شود. از آنجا که قوانین به تنهایی برای تغییر شیوه های عمیق تثبیت شده، کافی نیست، برنامه مشترک یونیسف - یو.ان.اف.پی.ای. به طور مداوم تلاش دارد تا نگرش ها و هنجارهای اجتماعی مربوط به ناقص سازی جنسی زنان را تغییر دهد. دختران در برخی از کشورها برای انجام عمل ناقص سازی جنسی از کشور خارج می شوند تا تحریم های قانونی را دور بزنند. در مصر پزشکان ناقص سازی جنسی زنان را انجام می دهند و مجازات ها به گونه ای نبوده است که جلوی کار پزشکان را بگیرد. اولین محکومیت مربوط به ناقص سازی جنسی زنان در مصر پس از مرگ دختری در سال ۲۰۱۳ به دست یک پزشک بود. اگرچه این پیروزی توسط طرفداران در برابر ناقص سازی جنسی زنان ستایش شد، اما پزشک خاطی فقط محکوم به شش ماه زندان شد. برنامه مشترک توانست با تأکید بر جرمی که باعث مصدومیت یا معلولیت دائمی می شود، مجازات های اعمال این چینی را تا ۱۵ سال افزایش دهد. علاوه بر این، فردی که دختر را برای ناقص سازی جنسی زنان همراهی کرده بود نیز به یک تا سه سال زندان محکوم شد.

#### ۲-۵-۵. استفاده چشمگیر از رسانه ها

گامبیا، سنگال و سومالی برای مبارزات خود از رسانه های ارتباط جمعی استفاده می کنند. استفاده از رسانه ها برای این هدف در آفریقا در حال گسترش است. طیف وسیعی از رسانه های اجتماعی، تولیدات تئاتری و ملودرام های تلویزیونی و رادیویی خود به منع ناقص سازی جنسی زنان اختصاص داده شده و باعث تغییرات هنجارهای اجتماعی شده است. این استراتژی در جیبوتی در سال ۲۰۱۶ با برگزاری کارگاه های آموزشی و دعوت ۹۰

روزنامه نگار از ۳۰ رسانه درباره تکنیک های ارتباطی مرتبط با ناقص سازی جنسی زنان برگزار شد که بیش از ۶۰ پخش یا گزارش را چاپ کردند. تعداد زیادی از ویدئوهای به اشتراک گذاشته، پست های فیس بوک و توییتر در مورد پایان دادن ناقص سازی جنسی زنان است. این امر نشان می دهد که تأثیر محتوای رسانه ای در مبارزه با ناقص سازی جنسی زنان غیرقابل انکار است. (بیوان.پی.ای، ۲۰۱۹)

### ۲-۵-۶. همراه سازی مردان در جریان مبارزه با ناقص سازی جنسی زنان

برای منع و پایان دادن ناقص سازی جنسی زنان، همراهی مردان هم نیاز است. در کنیا، نیجریه، سنگال و سودان مردان برای کمک به زنان و پایان دادن به ناقص سازی جنسی آنها به پا خواسته اند. مردان در ازبین بردن ناقص سازی جنسی زنان مهمترین متحدان و همراهان هستند. قدرت مردان و پسران در نقش پدر، برادر، شوهر و دوستداران تأثیر زیادی بر تغییر هنجارهای اجتماعی و تصمیمات خانواده دارد. (ساکویا، ۲۰۱۴)

### ۳. بحث و نتیجه گیری

ناقص سازی جنسی زنان عملی خشونت آمیز است که قرن هاست بر روی زنان و کودکان انجام می شود. از آنجاکه این عمل با حقوق اصلی و بنیادینی مانند حق بر جسم، حق بر سلامت و حق بر زندگی در تعارض است به راحتی می توان استنباط کرد که ناقص سازی جنسی زنان مخالف با حقوق بشر است و چه بسا نقض جدی حقوق بشر تلقی می شود. براساس تخمین سازمان بهداشت، آمار ناقص سازی جنسی زنان به شدت روبه افزایش است. ۸ کشور آفریقایی سومالی، سودان، مصر، گینه، سیرالئون، اتیوپی، مالی و بورکینافاسو، رشد ۸۰٪ در انجام ناقص سازی جنسی زنان داشته اند. رشد انجام ناقص سازی جنسی زنان منحصر به کشورهای آفریقایی نیست، بلکه کشورهای پیشرفته ای مانند آمریکا و انگلیس هم مانند کشورهای آفریقایی با رشد انجام ناقص سازی جنسی زنان مواجه بوده اند. سازمان های بین المللی دولتی و غیردولتی همواره در پی مبارزه با ناقص سازی جنسی زنان بوده اند و نسبت به انجام آن واکنش هایی نشان داده اند و در برخورد با آن اقداماتی را

1. UNPA  
2. Sakuya, O.

اتخاذ کرده‌اند. برای مثال، آگاهی بخشی به مردم در مورد مضرات ناقص سازی جنسی زنان، ملزم کردن کشورها به گزارش اجباری، حمایت از زنان قربانی ناقص سازی جنسی زنان، تغییر نگرش مردم به ناقص سازی جنسی زنان و درپی آن تغییر سنت‌ها، وضع قانون برای ممنوعیت ناقص سازی جنسی زنان، استفاده از رسانه‌ها برای ممنوعیت ناقص سازی جنسی زنان و... باین حال، جوامع بین‌الملل تاکنون اعلامیه‌ای صریح مبنی بر ممنوعیت ناقص سازی جنسی زنان ارائه نداده است و ناقص سازی جنسی زنان هنوز به صورت نقض بنیادین حقوق بشر زنان مورد توجه قرار نگرفته است. هرچند تلاش‌های حقوق بشری در مورد حمایت از قربانیان ناقص سازی جنسی (ساکویا، ۲۰۱۴) و محو ناقص سازی جنسی زنان انجام شده است، اما برای جهانی عاری از ناقص سازی جنسی زنان، اتخاذ اقدامات جدی از سوی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی ضروری است.

برای دستیابی به جهانی عاری از ناقص سازی جنسی زنان اقداماتی پیشنهاد می‌شود که عبارتند از: الزام دولت‌ها به ویژه دولت‌های مبتلا به گزارش دهی درباره وضعیت ناقص سازی جنسی زنان در قلمروی سرزمینی خود و اقدامات اتخاذ شده در برخورد با آن؛ پذیرش اعلامیه جهانی منع ناقص سازی جنسی زنان و به دنبال آن، پذیرش معاهده بین‌المللی در این زمینه؛ نظارت بر وضعیت ناقص سازی جنسی زنان از سوی نهادهای تخصصی حقوق بشری سازمان ملل متحد (نهادهایی مانند کمیسیون وضعیت زنان، کمیسریای عالی سازمان ملل متحد برای حقوق بشر و شورای حقوق بشر)؛ ارائه برنامه‌های آموزشی و آگاهی‌رسانی درباره عوارض و پیامدهای ناقص سازی جنسی زنان؛ جرم‌انگاری ناقص سازی جنسی زنان و محاکمه و مجازات مرتکبین آن.

## فهرست منابع

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۳۰۸)، *لسان العرب*. بیروت: دارالفکر.
۲. اشراقی، محمد (۱۳۸۵)، نگاهی به پدیده خشونت علیه زنان. *نشریه دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر*، ۲ (۱)، ۲۸-۱۰.
۳. حاجی فقها، محبوبه، سیمبر، معصومه، گل‌عذار، سمیرا، و علیزاده، شیوا (۱۳۹۵). *ختنه دختران زنان الزام دینی یا اجبار فرهنگی*. *نشریه زنان، مامایی و نازایی*، ۲۵ (۱۹)، ۱۲-۱۳.
۴. حمیدی، فریده، قاسمیان، پروانه، و صباغ‌نو، سولماز (۱۳۸۵). *مجموعه مقالات حقوق زنان، حقوق بشر*. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
۵. ذوالفقارطلب، مصطفی، و جمالی، محمد (۱۳۹۳). *ختنه زنان از دیدگاه مذاهب فقهی*. *نشریه فقه پزشکی*، ۱۷ (۶)، ۲۵-۳۷.
۶. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ ه.ق). *اصول کافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.



8. Abdulcadir, J., Margariraz, C., Boulvain, M., & Irion, O. (2011). Care of Women with Female Genital Mutilation/Cutting. *Swiss Med Wkly*, 140(11), 1-8.
9. African Union (2016). *International Day of Zero Tolerance for Female Genital Mutilation*. <https://au.int/en/pressreleases/20160206-0>.
10. Aldeeb, S. (2012). *Introduction to Islamic law: Foundation, sources and principles*. London: CreateSpace.
11. Andistahal, m. (2017). *The Campaign against Female Genital Mutilation*. <https://wadi-online.org/2017/03/06/the-campaign-against-female-genital-mutilation/>
12. Buff, D. D. (1995). Female Circumcision. *New England Journal of Medicine*, 332, 188-190.
13. CEDAW (1990). *General recommendations made by the Committee on the Elimination of Discrimination against Women, no.14*. <https://www.un.org/womenwatch/daw/cedaw/recommendations/recomm.htm>.
14. Committee against Torture (2008). *General Comment No. 2*. UN Doc CAT/C/GC/2.
15. *Committee on Economic, Social and Cultural right* (2008). E/C.12/BEN/Q/2/Add.1.
16. *Committee on Economic, Social and Cultural right* (2009). E/C.12/GC/21.
17. *Committee on Economic, Social and Cultural Rights* (2000). *General Comment, No. 14*. The right to the highest attainable standard of health. UN Doc. E/C.12/2000.
18. *Communication from the Commission to the European Parliament and the Council Towards the elimination of female genital mutilation* (2013). Doc. 52013DC0833.
19. Economic and Social Council Official Records (ECOSOC) (2007). *Economic and Social Council Official Records Supplement, No. 7* (E/2007/27-E/CN.6/2007/9), commission on the status of women, report on the fifty-first session.
20. El-Damanhoury (2013). The Jewish and Christian View of Female Genital Mutilation. *African Journal of Urology*, 19(3), 127-129.
21. European Commission (2013). *Definition of Female Genital Mutilation (FGM), Prevalence in the EU and the Commission's Commitment to Eliminating this Violent Practice against Women and Girls*. [https://ec.europa.eu/info/policies/justice-and-fundamental-rights/gender-equality/gender-based-violence/eliminating-female-genital-mutilation\\_en](https://ec.europa.eu/info/policies/justice-and-fundamental-rights/gender-equality/gender-based-violence/eliminating-female-genital-mutilation_en)
22. Fisha, KG. (2016). Female Genital Mutilation: A Violation of Human Right. *Journal of Political Science and Public Affaris*, 4(2), 1-6.
23. Hayford, S. R. (2005). Conformity and Change: Community Effects on Female Genital Mutilation in Kenya. *Journal of Health and Social Behavior*, 46(2), 121-141.
24. *Human Rights Committee* (1982). General Comment No. 6: The right to life (art. 6), para. 5.
25. *Human Rights Committee* (2019). General Comment No. 36. <https://www.ohchr.org/en/hrbodies/ccpr/pages/gc36-article6righttolife.aspx>
26. Kamali Dehghan, S. (2015). *Female Genital Mutilation Practiced in Iran, Study Reveals*. <https://www.theguardian.com/world/2015/jun/04/female-genital-mutilation-iran-fgm>.
27. Kassamali, N. (2006). *Encyclopedia of Women and Islamic and Cultures*. Boston: Brill.
28. Kentenich, H., & Billing, U. (2008). Female Genital Mutilation: an Injury, Physical and Mental Harm. *Psychosom Obstet Gynaecol*, 29(4), 255-259
29. Klaassen, M., & Rodrigues, P. (2018). *The Committee on the Rights of the Child on Female Genital Mutilation and Non-Refoulement*. <https://leidenlawblog.nl/articles/the-committee-on-the-rights-of-the-child-on-female-genital-mutilation>

30. Mulvey, A. (2017). *FGM Should be recognized as a Form of Torture*. <http://www.legalactionworldwide.org/fgm-Recognised-Form-Torture>
31. Orchid Project (2012). *Where Did Female Genital Cutting Come from?*. <https://orchidproject.org/where-did-female-genital-cutting-come-from/>.
32. Population Council (2018). *FGM Decision-Making Process and the Roll of Gender POWER relation in Sudan Evidence to End FGM*. [https://www.google.com/url?s a=t&rct=j&q=&esrc=s&source=web&cd=&ved=2ahUKEwjmcxmPvtAhXeQEEAHVWeCNAQFjAAegQIAxAC&url=https%3A%2F%2Fwww.popcouncil.org%2Fuploads%2Fpdfs%2F2018RH\\_FGMC-GenderStudySudan.pdf&usg=AOv Vaw0UB2wZ7g0ortEnfWqFHn3N](https://www.google.com/url?s a=t&rct=j&q=&esrc=s&source=web&cd=&ved=2ahUKEwjmcxmPvtAhXeQEEAHVWeCNAQFjAAegQIAxAC&url=https%3A%2F%2Fwww.popcouncil.org%2Fuploads%2Fpdfs%2F2018RH_FGMC-GenderStudySudan.pdf&usg=AOv Vaw0UB2wZ7g0ortEnfWqFHn3N)
33. Rahman, A. & Toubia, N. (2000). *Female Genital Mutilation, a Guide to Laws and Policies Worldwide*. London: Zed Books.
34. Rahman, A., & Toubia, N. (2006). *Female Genital Mutilation A matter of Human Rights*. Center for reproductive rights, No2, 15.
35. Rizvi, S. A. H., Naqvi, S. A. A., Hussain, M., & Hasan, A. S. (1999). Religious circumcision: a Muslim view. *BJU International*, 83, 13-16.
36. Sakuya, O. (2014). *In Kenya, Men Are Challenging the Male Role in the Female Circumcision Problem*. <https://www.afro.who.int/news/kenya-men-are-challenging-male-role-female-circumcision-problem>
37. Salem, N. (2017). *The Impact of the Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women on the Domestic Legislation in Egypt*. Leiden: Brill Nijhoff.
38. The General Assembly of the United Nations (1984) *Convention against torture and other cruel, inhuman or degrading treatment or punishment*.
39. UK Fact sheet (2016). *Fact sheet on mandatory reporting of female genital mutilation*. <https://www.gov.uk/government/publications/fact-sheet-on-mandatory-reporting-of-female-genital-mutilation>
40. UN (1990). *Traditional or Customary practice affecting the health of women and girls*. A/RES/53/117.
41. *UN Committee on the Elimination of Discrimination against Women (CEDAW)* (1990). CEDAW General Recommendation No. 14. Female Circumcision, Doc. A/45/38.
42. UNFPA-UNICEF. (2019). *Joint Program to Eliminate Female Genital Mutilation*. <https://www.unfpa.org/unfpa-unicef-joint-programme-female-genital-mutilations>.
43. UNICEF. (2016) *Female Genital Mutilation/Cutting*. <https://www.unicef.org/protection/female-genital-mutilation>
44. United Nations (1995). *Report of the International Conference on Population and Development*. A/CONF.171/13/Rev.1.
45. United Nations Children's Fund (2016). *Female Genital Mutilation/Cutting: A global concern*. <https://data.unicef.org/resources/female-genital-mutilationcutting-global-concern/#>
46. UNPA (2019). *Which International and Regional Instruments Can Be Referenced for the Elimination of FGM?*. [https://www.unfpa.org/resources/female-genital-mutilation-fgm-frequently-asked-questions#international\\_regional\\_instruments](https://www.unfpa.org/resources/female-genital-mutilation-fgm-frequently-asked-questions#international_regional_instruments).
47. WHO (2007). *Classification of FGM*. [https://www.who.int/health-topics/female-genital-mutilation#tab=tab\\_1](https://www.who.int/health-topics/female-genital-mutilation#tab=tab_1)
48. Wood, A. N. (2001). A Cultural Rite of Passage or a Form of Torture: Female Genital Mutilation from an International Law Perspective. *Hastings Women's Law Journal*, 12(2), 347- 386.



پروہشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی